

مشارکت سیاسی زنان در انقلاب مشروطه

• میرمحسن طاهری

اگرچه پیشینه‌ی جنبش‌های اجتماعی و مبارزاتی در ایران به‌گونه‌ای است که به پیروی از نظام پدرشاهی - همواره، آغاز و پایان آن - به نام مردان زینت داده شده است. اما این بدان معنا نیست که زن ایرانی در تاریخ مبارزات ملی و جنبش‌های اجتماعی این کشور، هیچ‌گونه مشارکت و حضوری نداشته است، بلکه زن ایرانی به‌ویژه در تاریخ سیاسی - اجتماعی ۱۵۰ ساله‌ی اخیر ایران، گام‌هایی - هرچند آرام، اما رو به رشد - برای شخصیت سیاسی و اجتماعی خود برداشته است.

اگر ما بنا بر تعریف «ساموئل هانتینگتون»^(۱) و «جان نلسون»^(۲) مشارکت سیاسی را کوشش‌های شهروندان غیردولتی برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی بدانیم یا برابر تعریف «میل برات»^(۳) مشارکت سیاسی را رفتاری بدانیم که اثر می‌گذارد یا قصد تأثیرگذاری به نتایج حکومتی را دارد،^(۴) در هر دو صورت باید گفت: شرکت مستقیم در انقلاب مشروطه و راه‌اندازی جنبش‌های سازمان یافته‌ی زنان نمونه‌ی کوچک از وارد شدن پرافتخار زن ایرانی در جنبش‌های ملی و مشارکت در کارزارهای سیاسی و اجتماعی است، که ما به گونه‌ای فشرده به بررسی چگونگی مشارکت زن ایرانی در انقلاب مشروطه و کارکردهای سازمان‌های زنان در احقاق حقوق‌شان می‌پردازیم. آن‌گاه، به این پرسش پاسخ خواهیم داد که آیا انقلاب مشروطه خواه، پس از پیروزی، به ادای دین خود نسبت به حقوق سیاسی - اجتماعی از دست رفته‌ی زن ایرانی وفادار ماندند، یا خیر؟ آیا انقلاب مشروطه و قانون اساسی آن، توانسته است حقوق سیاسی و اجتماعی فراموش شده‌ی زن ایرانی را به او بازگرداند؟ ما برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، برخی حوادث و شعارها و دیدگاه‌های پیش از انقلاب مشروطه را که منجر به وارد شدن زن ایرانی در کارزارهای سیاسی و اجتماعی شده است، مورد بازبینی قرار می‌دهیم.

از جمله‌ی این حوادث می‌توان به ظهور برخی فرقه‌ها و مسلک‌های مذهبی تازه و افزایش مباحث منورالفکری و رخداد بزرگی چون «جنبش تنباکو» اشاره کرد.

از این رو می‌توان گفت: آغاز مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان به معنای مدرن آن را باید در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار جستجو کرد. بر همین پایه، در این نوشتار، وضعیت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان ایران را در

♦ در واقع، دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار و مشارکت زن ایرانی در مبارزات سیاسی و اجتماعی بوده است.

دو بخش بررسی خواهیم کرد:

- ۱- وضعیت مشارکت زنان در دوره‌ی ناصرالدین شاه (جنبش تنباکو).
- ۲- شرکت زنان در انقلاب مشروطه.

وضعیت مشارکت زنان در دوره‌ی ناصرالدین شاه

در دوره‌ی قاجار، بیشتر کارکردهای اجتماعی زنان ایران، به حضور در آیین‌های مذهبی خلاصه می‌شد. البته در برخی از فرقه‌های

مذهبی، نمونه‌هایی از زنان وجود داشتند، که در فعالیت‌های اجتماعی نیز مشارکت مستقیم داشتند. برای نمونه، بر پایه‌ی تعلیمی که فرقه‌ی مذهبی‌ای به نام «فرقه باب»^(۵) در سال ۱۲۱۹ ه. ش. به وسیله‌ی سیدعلی محمد شیرازی پایه‌ریزی و رواج یافت و بر پایه‌ی آن، شعارهایی درباره‌ی عدالت اجتماعی، آزادی تجارت، حق مالکیت خصوصی و افزایش دارایی زنان، محدودیت چند همسری، منع خشونت علیه زنان و امتیاز برای آموزش زنان داده شد، برخی از مردان و همچنین زنان را به سوی خود جذب کرده بود.^(۶) پس از اعدام بیست و هشت نفر از پیروان این فرقه در سال ۱۲۲۹ ه. ش. مسلک سیدعلی محمد شیرازی (مشهور به باب) به شکل دیگری از آیین «بهائیت» چهره‌ای دگرگون یافته پیدا کرد.

معروف‌ترین زنی که به فرقه‌ی «بابیه» وفادار ماند و با ترک شوهر و خانواده‌ی خود، به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و در مجامع و مجالس، مردم را موعظه می‌کرد، زنی به نام «قره‌العین» بود. او زنی بود که زندگی خود را قربانی فعالیت‌های اجتماعی کرده بود. به گونه‌ای که برخی افراد، فعالیت‌های اجتماعی او را چنان گسترده و تأثیرگذار می‌دانند، که معتقدند - حتا - به عنوان «نهضت قره‌العین» باید آن را به شمار آورد.^(۷)

میرزا ملکم خان، مؤسس انجمن فراماسونری در ایران، یکی از این افراد بود.^(۸) ملکم خان در ۱۲۶۹ ه. ش. در روزنامه‌ی «قانون» که در لندن منتشر می‌کرد، ضمن دفاع از حقوق دموکراتیک، از آموزش زنان سخن به میان آورد.

نویسنده‌ی مهم دیگر آن زمان «میرزا آقاخان کرمانی»، شخصی آزاداندیش و رادیکال بود. او سردبیر روزنامه‌ی «اختر» و همکار «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» در انتقادات خود از شرایط موجود ایران قاطعیت داشت؛ گذشته‌ی پیش از اسلام را بررسی می‌کرد، مذهب رسمی را نقد می‌کرد و از جریان‌های ملی‌گرایانه موجود طرفداری می‌کرد.

شیخ احمد روحی، نویسنده، معلم و آزاداندیشی بود که در سال ۱۲۷۰ ه. ش. به همراه میرزا آقاخان کرمانی، گروهی به نام «اصلاح طلبان ایرانی حامی سیدجمال‌الدین اسدآبادی» را تشکیل

۱۰۵

مایه‌ی بیداری شان شده بود و در اندیشه‌ی مبارزه برای لغو این امتیاز برآمدند. آن چه در این میان شایان توجه است، آغاز مبارزه از درون دربار ناصرالدین شاه و شایسته‌تر آن که مبارزه به وسیله‌ی زنان دربار شکل گرفته بود.

درواقع، دوره‌ی ناصری زادگاه دخالت و مشارکت زن ایرانی در مبارزات سیاسی و اجتماعی بوده است. (۱۳) زنان اندرونی دربار ناصرالدین شاه، نخستین کسانی بودند که به فتوای «آیت‌الله میرزا حسن شیرازی» (۱۴) پاسخ «آری» دادند و در واقعه‌ی «رژمی» سال ۱۲۸۰ ه. ش. (جمادی‌الاول ۱۳۰۹ ه. ش.) با شکستن قلبان‌های دربار، روی استبداد ناصرالدین شاه‌ی و استعمار شرکت‌انگلیسی، به نیکویی ایستادند.

این ایستادگی مایه‌ی آن شد که شاه ناچار شود بپرداخت ۵۰۰ هزار لیره به کمیانی انگلیسی، امتیاز داده‌شده را لغو نماید.

افزون بر این‌گونه دخالت‌ها و اعتراض‌های سیاسی مستقیم، برخی زنان بانفوذ دربار، بر روی برخی از شخصیت‌های دربار نفوذ سیاسی داشتند. حتا، برخی از زنان پادشاهان قاجار، با سفارتخانه‌های خارجی نیز در ارتباط بودند.

«از زنان متعدد ناصرالدین شاه، فقط «انیس‌الدوله» سوگلی حرم او، نقش مؤثری در امور کشور ایفا می‌کرد و بانفوذی که در ناصرالدین شاه داشت، در عزل و نصب مقامات مهم مملکتی دخالت می‌نمود.» (۱۵) همچنین «عزّة‌الدوله» خواهر ناصرالدین شاه و همسر «امیرکبیر» از زنان نیک و ایثارگر این دوره بوده است.

در برابر چنین کارکرد ارزنده و سترگ زن ایرانی «مهدعلیا» مادر ناصرالدین شاه قرار داشت که همیشه در کارهای سلطنت و کشورداری نقش داشته و دخالت می‌کرد. هم او بود که در دسیسه‌ی به مسلخ فرستادن میرزاتقی‌خان سیهسالار (امیرکبیر) نقش ویژه‌ای داشت.

ناگفته نماند، در جامعه‌ی مردانه‌ی آن دوره، همین‌اندک دخالت‌های زنان در کارزارهای سیاسی و اجتماعی کشور، به زنان درباری یا شخصیت‌های بانفوذ سیاسی کشور بسنده می‌شد.

توده‌ی زنان از این حداقل مشارکت سیاسی نیز، به دور بودند. عامه‌ی زنان ایران، در آن دوره، در حد زندگی سنتی، در محیط‌های روستایی کشاورزی و عشایری دامداری، تنها به نقش‌های اقتصادی و تولید صنایع دستی اشتغال داشتند. اما، قیام زنان در نهضت تنباکو، آزمون بزرگ و تجربه‌ی سیاسی - اجتماعی خوشایندی رای توده‌ی مردم ایران، به ویژه زنان، بوده است. این نهضت، آغاز بیداری توده‌ی ایرانیان و نخستین سیلی مردم ایران به صورت استعمار انگلیس بود.

افزون بر این، فتوای میرزای شیرازی، زیرساخت جامعه را علی‌رغم رعب و وحشت حاکم تغییر داد. تا آن جاکه یک لوطی و قمه‌کش جلو کنسول انگلیس را گرفت و گفت: «من این مشروب را می‌خورم، اما تا میرزا اجازه ندهد، تنباکو نمی‌کشم.» (۱۶)

درواقع، قیام زنان در «نهضت تنباکو» و پیروزی این نهضت، پیش‌زمینه‌ای شد تا قدرت توده‌ی مردم را به سمت انقلاب مشروطه و حکومت قانون به حرکت درآورد.

نویسنده‌ی با نفوذ دیگر، فتحعلی آخوندزاده، اهل آذربایجان بود که در روسیه زندگی می‌کرد. در اواخر قرن نوزدهم، آخوندزاده یک سری نامه نوشت که در آن نظم موجود در ایران را تقیح کرد. این مطالب باعث نگارش مطالب انتقادی بسیاری از طرف ایرانیان در تبعید شد. (۱۷)

ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و فتحعلی آخوندزاده، در مقاله‌های خود ضمن علاقه‌مندی به آزادی زنان، از حق آموزش زنان پشتیبانی نموده و نسبت به چندمسرری مردان آن زمان مخالفت شدید نشان می‌دادند.

روشنفکران ایرانی آن زمان که بسیاری از آنان تحصیلکرده‌ی اروپا بودند و رهبر فکری حرکت‌های ملی‌گرایانه و دموکراتیک به‌شمار می‌آمدند، فضای انقلابی تازه‌ای را آفریدند که با خواسته‌های به‌حق و برابری خواهی برخی از زنان ایرانی که هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد، روبه‌رو گشت.

در چنین فضای فکری و عقیدتی بود که آموزش برای زنان ایرانی مطرح شد. در سال ۱۲۵۰ ه. ش. مدرسه‌ی امریکایی مبلغین مذهبی در تهران آغاز به کار کرد. یک سال بعد، نخستین مدرسه‌ی دخترانه‌ی ایرانی و در سال ۱۲۸۵ ه. ش. مدرسه‌ی دخترانه‌ی فرانسوی در تهران گشایش پیدا کرد.

اما سرآغاز دوره‌ی جدید ورود زن ایرانی در کارزار سیاست کشور و فعالیت‌های اجتماعی را می‌توان به حوادث ۱۱۰ سال اخیر کشور پیوند زد.

درواقع، چگونگی دخالت زن در سیاست دوره‌ی معاصر به ورود استعمار انگلیس به دربار قاجار پیوندخورده است. با آغاز حکومت قاجار، خصوصاً، زمان فتحعلی‌شاه که هنوز روشن نبود که بین ناپلئون و انگلیس، کدام یک فاتح جنگ «واترلو» خواهند بود، فرستاده‌ی ناپلئون جهت سامان دادن به کارخانه‌ی توپ‌ریزی اصفهان به ایران آمد. اما دیری نپایید که ستاره‌ی اقبال ناپلئون افول کرد و او به جزیره‌ی دور افتاده‌ای تبعید شد. در این زمان انگلیس وارد دربار قاجار گردید و با رشوه و توطئه بساط خود را تا جنگ دوم جهانی در ایران گسترش داد. (۱۸)

انگلیس در اندیشه‌ی گرفتن امتیازات گوناگون برآمد و قراردادهای ننگینی را بر پادشاهان قاجار - و درواقع، برشانه‌ی ملت ایران - تحمیل کرد. یکی از این امتیازات، «امتیاز توتون و تنباکو» بود که در سال

۱۲۶۸ ه. ش. ناصرالدین شاه به انگلیسی‌ها داد. (۱۹) تا آن زمان، توده (مردم) را بر اوای سود و زیان کشور کردن و در کارهای دولتی به چون و چرا برخاستن در میان نبود.

اما چون، این امتیاز، پای بیگانگان را به کشور باز کرد، مردم و علمای مذهبی دست به شکایت برداشتند و همین،

◆ اما سرآغاز دوره‌ی جدید ورود زن ایرانی در کارزار سیاست کشور و فعالیت‌های اجتماعی را می‌توان به حوادث ۱۱۰ سال اخیر کشور پیوند زد.

شرکت زنان در انقلاب مشروطه

پس از یورش عرب به ایران، با توجه به نوع ساختارسیاسی، اجتماعی، طبقاتی ایران، که قدرت در دست فتودالها و خوانین بود و وجود برخی دیدگاه‌های سنتی و خرافه‌گون فرهنگی و مذهبی در باورهای مردم و علمای مذهبی، از یک سو و قرار گرفتن در معرض هجوم و یورش‌های گوناگون و مداوم اقوام بیگانه، از سوی دیگر، مایه‌ی آن شد تا به مرور روحیه‌ی استبدادزدگی و پذیرش ستم‌کشی در توده‌ی مردم ایران، به عادت تبدیل شود و مردم از سیاست و اجتماع دلزده گردند، تا استبداد درون دوام یابد و استعمار از بیرون آسان‌تر نفوذ نماید. در نتیجه، توده‌ی مردم، منزوی گشته، قدرت تحرک‌های اجتماعی و ایجاد جنبش‌های مبارزاتی - سیاسی قوی را از دست بدهند، به روزمرگی بیفتند و مردم از کارزارهای تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود دور بمانند. بر همین پایه، از آن‌جا که مشارکت زنان، تابعی از نظام کلی مشارکت در جامعه است، لذا هنگامی که این عوامل را به داشتن «فرهنگ مردسالاری» در خانواده و جامعه‌ی ایرانی بیفزاییم، آشکار می‌گردد که تا پایان دوره‌ی قاجار، زنان تاجه اندازه‌ی خوب‌ها را از این کاستی‌ها خورده‌اند.

برای از بین بردن این روند پستی و کاستی، جامعه به یک سری اصلاحات درونی فرهنگی و مذهبی از یک سو، و دگرگونی سیاسی و اجتماعی از سویی دیگر، نیازمند بوده است. لذا برخی از دوستداران و خدمتگزاران این بوم و بر، گام‌هایی را در زمینه‌های گوناگون برداشتند.

فکر اصلاح دین را در ایران، «میرزا فتحعلی آخوندزاده» در آستانه‌ی جنبش مشروطه خواهی مطرح کرد. مسأله‌ی اصلی او درآمدن جامعه‌ی ایرانی از وضع خمودگی و بی‌جنبشی اجتماعی بود و گمان می‌کرد که با اصلاح دین می‌توان راه تحول و پیشرفت اجتماعی را در ایران هموار کرد.^(۱۷) همچنین، بعدها سیدجمال‌الدین اسدآبادی و منورالفکرهایی^(۱۸) که «فرنگستان» را دیده بودند، به گسترش برخی دیدگاه‌های تازه و اصلاح‌گرایانه پرداختند و افکار لیبرالی آن‌ها روی برخی از درباریان و اطرافیان ناصرالدین شاه تأثیر گذاشته بود.^(۱۹)

قائم مقام فراهانی و امیرکبیر دست به فرم‌هایی^(۲۰) به نفع حقوق ملت و کوتاه کردن دست درباریان زدند. از نظر فرهنگی نیز، امیرکبیر، با ساختن «دارالفنون» و چاپ روزنامه و گسترش نشر کتاب، خدمات شایانی را در این راه انجام داد. هم از این رو، دست استعمار روس و انگلیس و استبداد دربار قاجار، این دو خدمتگزار راستین ملت ایران را به مسلخ فرستاد. از نظر سیاسی و اجتماعی نیز طعم پیروزی جنبش تنباکو، مردم را جسورتر و امیدوارتر نموده بود. در واقع، «جنبش تنباکو» که با پشتیبانی زنان به پیروزی رسید، پس از مدتی، به پیش‌زمینه و الگوی یک خیزش سیاسی بزرگ علیه استبداد قاجار مبدل شد. لذا، مردم از شیرینی این پیروزی بود که به فکر کوتاه کردن دست قدرت بی‌قید و بند پادشاه برآمدند.

حادثه‌ی تنبیه «سیدقندی» یکی از تجار بازار، به وسیله‌ی «اتابک اعظم»^(۲۱) بهانه و جرقه‌ای بود که خواسته‌های سیاسی انباشته شده‌ی

مردم را از استبداد قاجار، شعله‌ور ساخت. در نتیجه، مردم و علمای مذهبی دست به اعتراض و شکایت زدند و شعار مشروطه خواهی را سر دادند.

مردم تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و... دسته دسته علیه درباریان و به پشتیبانی از انقلابیون و آزادی خواهان، به خیابان‌ها ریختند و دست به تحصن و بست نشینی‌های گوناگون زدند. علی‌رغم وجود جامعه‌ی بسته، بیسواد و مردسالار آن دوره، زنان اقدام به تشکیل انجمن‌های نیمه‌سری^(۲۲) نمودند و در برخی از این بست نشینی‌های اعتراض آمیز و سیاسی، عامه‌ی زنان نیز حضور داشتند. چرخ انقلاب مشروطه به گردش افتاد.

مبارزه‌ی آزادی خواهان و مردم، در این زمان منجر به پذیرش خواسته‌ی مردم و صدور فرمان مشروطیت از جانب مظفرالدین شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ه. ش. شد. پس از پیروزی آزادی خواهان، در جشنی که در شب ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه. ق. برگزار شده بود، زنان نیز در این جشن پیروزی شرکت داشتند.^(۲۳)

«هر چند، ترورهای کور از سوی عوامل استعمار انگلیس، سرانجام نهضت مشروطه را در شکل و سطح نگه داشت و هسته‌ی حکومت مطلقه و استبداد همچنان باقی ماند».^(۲۴) اما، انقلاب مشروطه مایه‌ی آن شد، تا برای نخستین بار، ایران صاحب قانون اساسی مدون گردد. این قانون اساسی و سپس متمم آن، بر پایه‌ی قانون اساسی ۱۸۳۰ و ۱۸۷۵ فرانسه، همراه با آمیزه‌های دین اسلام نوشته شد.

تدوین قانون اساسی مشروطه، اقتدار شاه را کاست و باتشکیل مجلس شورای ملی، به مردم حق مشارکت سیاسی و انتخابات آزاد برای تعیین نمایندگان داده شد.

آزادی سیاسی گسترش یافت و شناسنامه‌ها و روزنامه‌های هم زاده شدند. مشارکت زنان در انقلاب مشروطه، راهی برای

تحقق دموکراسی بود، که مردم

ایران در آغاز قرن بیستم (۱۹۰۶ م.)

گزینش کرده بودند. در این

میان، زنان اگر چه در به پیروزی

رسانیدن انقلاب در

دوره‌ی مظفرالدین شاه و هم پس

از آن در برابر محمدعلی شاه،

که بستن مجلس شورای

ملی را در سر می‌پروراند،

حضور داشتند، اما آن چنان باید و

شاید، پس از پیروزی

انقلاب مشروطه اجازه حضور در

کارزارهای سیاسی و

اجتماعی به آن‌ها داده نشد و

تقریباً رنگ باخته شد.

علت اصلی عدم حضور

زنان در این زمان، درصد

بالای بیسوادی مردم جامعه،

◆ اگر چه پیشینه‌ی جنبش‌های اجتماعی و مبارزاتی در ایران به گونه‌ای است که به پیروی از نظام پدشاهی - همواره، آغاز و پایان آن - به نام مردان زینت داده شده است. اما این بدان معنا نیست که زن ایرانی در تاریخ مبارزات ملی و جنبش‌های اجتماعی این کشور، هیچ گونه مشارکت و حضوری نداشته است.

به ویژه زنان و دختران و خانه نشین بودن آن‌ها، وجود «فرهنگ زن ستیزی» و «پدرسالاری» سنگین در خانواده و جامعه‌ی ایرانی بوده است. عامه مردم نمی‌توانستند به خود بقبولانند که زن هم باید باسواد شود. در واقع، خروج زن از خانه یکی از قبح انگیزترین کارها به شمار می‌آمد که - حتا - خود زنان نیز، عدم خروج زن از خانه را یک ارزش می‌دانستند. از طرفی دیگر، بسیاری از روحانیون مبارز^(۱۵) در انقلاب مشروطه برای داخل شدن زن در اجتماع و مشارکت او در امور سیاسی، «حرمت شرعی» شدیدی قایل بودند. اعتقاد به این «تفکر سنتی زن ستیز» کم و بیش در این زمانه نیز، وجود دارد. اگرچه ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ مایه‌ی تغییر ظاهری صورت رژیم سیاسی، از مطلقه به مشروطه شد، اما، آن چنان که بایسته و شایسته بود، در رابطه با حقوق مردم و به ویژه، وجود دیوارهای بلند فرهنگی و اجتماعی که سد راه رشد شخصیت اجتماعی زنان و نگه دارنده ستون‌های فرهنگ مردماری بود، منجر به دگرگونی اجتماعی ایران نشد.

بهبود وضعیت زنان ایران، نیاز به سواد و آگاهی مناسب داشت که وجود نداشت و یک مبارزه‌ی اجتماعی از درون جامعه‌ی مردم‌دار را می‌طلبد، تا در زیر و رو کردن فرهنگ زن ستیزی، جنبشی را از خود نشان دهد. حال آن‌که، چنین چیزی تا سال‌ها بعد نیز، از بطن جامعه زاده نشد. حتا، اکثریت زنان جامعه به این درجه از خودباوری نرسیده بودند که توانایی مشارکت اجتماعی و سیاسی را دارند. این عوامل باعث می‌شد تا حرکتی که در آغاز قرن بیستم، مردم ایران در جهت تحقق دموکراسی آغاز کرده بودند، بسیار کند عمل نماید. اگرچه این کشور دارای قانون اساسی و مجلس شورای ملی شده بود. ■

پانویس ها

1- Samuel Huntington

2- Jean Nelson

3- Mill brath

۴- برای آگاهی بیشتر درباره‌ی تعریف‌های گوناگون از «مشارکت سیاسی» نگاه کنید: مصفا، دکتر نسرین، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵، ص ۲۳ تا ۱۸.

۵- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید: نوایی، دکتر عبدالحسین، فتنه‌ی باب، تهران، انتشارات بابک، چاپ سوم، بهار ۱۳۶۲.

6- see: kddi, Nikki, "Roots of Revolution". New haven and London: Yale university pree. 1981. page, 51.

۷- جایبوردنه، کوماری، مبارزات زنان در ایران، ترجمه: مه‌لقا کاشفی، جنس دوم (مجموعه مقالات) جلد ۱ به کوشش: احمدی خراسانی، نوشین، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۷، ص ۹۶.

۸- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید: پروفیسور حامد الگار، میرزا ملکم خان، ترجمه: جهانگیر عظیمیا و مجید تفرشی، تهران، انتشارات مدرس، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۱۵ تا ۲۲۴.

۹- جایبوردنه، کوماری، همان، ص ۹۷.

10- see to: kddi, Nikki, I.B.I.D, page, 191, 71, 68.

۱۱- «بعد از جنگ دوم جهانی، اگرچه نقش اصلی را امریکا به عهده گرفت، اما حضور دایمی انگلیسی‌ها به عنوان مشاور و پیر بانجره حفظ شد.» برای آگاهی بیشتر نگاه کنید: صادقکار، مرتضی، روانشناسی سه انقلاب (فرانسه، روسیه، ایران، تهران، انتشارات ناوک، ۱۳۷۴، ص ۲۲۵). ناگفته نماند از نظر تاریخی آغاز نفوذ انگلیسی‌ها به دربار ایران، به سال ۱۰۳۱ ه. ق. (۱۶۲۲ م.) برمی‌گردد که در این سال انگلیسی‌ها برای تامین منافع خود قراردادی با امامقلی خان، سردار ایرانی بستند، تا در اخراج پرتغالی‌ها از بندر گمبرون (بندرعباس) و هرمز به ایرانی‌ها کمک کنند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید: رضاقلی، علی، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷، ص ۶۰ تا ۶۲.

۱۲- برای آگاهی بیشتر درباره‌ی امتیاز «انحصار توتون و تنباکو»، نگاه کنید: صفایی، ابراهیم، اسناد سیاسی دوران قاجاریه، تهران، انتشارات بابک، ۲۵۳۵ شاهنشاهی (بخش یکم، اسناد رژمی) ص ۸ تا ۸۵.

۱۳- البته - ناگفته نماند - در این میان نباید از نقش حوادث بین‌المللی و جنبش‌های آزادی خواهی که در کشورهای همسایه‌ی ایران رخ می‌داد و خبرهای آن به ایران انتقال می‌یافت، در بیداری مردان و زنان ایران غافل ماند. حوادثی چون، انقلاب هند، حرکت‌هایی که در ترکیه و روسیه آغاز شده بود. برای نمونه در سال ۱۸۵۶ در ترکیه مدارس جدید «مکتب سلطانی» و «دارالمعلمات» زنان ساخته شد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید: طبری، احسان، فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران، [بی.ا.ی.] ص ۹۲ تا ۹۴.

۱۴- برای آگاهی از برخی مکاتبات میرزای شیرازی با ناصرالدین شاه درباره‌ی مفاسد قرارداد رژمی نگاه کنید: صفایی، ابراهیم، همان، ص ۱۲ تا ۸.

۱۵- مصفا، دکتر نسرین، مشارکت سیاسی زنان ایران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶.

۱۶- صادقکار، مرتضی، همان، ص ۲۲۹.

۱۷- مناف زاده، علیرضا، ایده‌های بنیادین جنبش دین پیرایی در اروپا، ماهنامه نگاه نو، بهار ۱۳۷۹، شماره ۴۴، ص ۱۹۳.

۱۸- برای مطالعه بیشتر درباره نقش منورالفکرهای یاد شده در جنبش مشروطه نگاه کنید: طبری، دکتر احسان، همان، ص ۱۱۳ تا ۱۵۳.

۱۹- ناصرالدین شاه تحت تاثیر تلقینات اطرافیان خود و به قصد جلب رضایت روشنفکران لیبیرالی که خواستار اجرای قانون و «تنظیمات» در ایران بودند، در سال ۱۸۵۹ م. (۱۲۷۵ ه. ق.) «به ایجاد اولین «هیات دولت در ایران» و اولین «مشورخانه» دست زد. در سال ۱۸۷۲ (۱۲۹۸ ه. ق.) اساسنامه‌ی «دربار اعظم» نوشته شد و در همین سال «مجلس مشورت وزراء» به وجود آمد، که منجر به ایجاد نه وزارتخانه گردید، که تنها سه وزارتخانه‌ی (مالیه، خارجه و جنگ) دستگاه اداری خاص خود را به وجود آوردند و بقیه عنوان بی‌پشتوانه‌ای بیش نبودند...» به نقل از: طبری، احسان، همان، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲۰- برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی قائم مقام و امیرکبیر نگاه کنید: ۱. رضاقلی، علی، همان، ص ۹۵ تا ۱۶۳. ب. طبری، احسان، همان، ص ۷۰ تا ۸۰. ج. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم ۲۵۳۵ شاهنشاهی.

۲۱- صادقکار، مرتضی، همان ص ۲۲۹.

۲۲- برای آگاهی از مشخصات و چگونگی فعالیت این انجمن‌ها نگاه کنید: آفاری، ژانت، انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، ترجمه: دکتر جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو، ۱۳۷۷.

۲۳- در صفحه ۱۲۶ کتاب تاریخ مشروطه ایران، اثر احمد کسروی، عکسی از برگزاری این جشن وجود دارد که در آن به حضور زنان اشاره شده است.

۲۴- صادقکار، مرتضی، همان، ص ۲۲۹.

۲۵- برای نمونه؛ هر چند آیت‌الله نایینی در کتاب «تنبیه الامه و تنزیه الملة» خود تاکید بسیار بر برابری و مساوات مردم دارد و می‌گوید: «قانون مساوات از اشرف قوانین مبارکه ماخوذه از سیاسیات اسلامیة و مبنا و اساس عدالت و روح تمام قوانین است... (ص ۶۹ کتاب) اما به نظر می‌رسد هدف او از «مساوات» در رابطه‌ی بین مردان جامعه به احکام و سیاسین دربار باشد، نه برابری و مساوات حقوقی بین زن و مرد. او در هیچ جای کتاب خود که در تایید مشروطه نوشته بود، یادی از «لزوم مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان» یا «جواز» آن نمی‌کند. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید: «تنبیه الامه و تنزیه الملة» با مقدمه و بی‌نوشت و توضیحات سید محمود طالقانی، تهران، تیرماه ۱۳۳۴.